

که حاکی از اذکار و اوصاف مبارک بود اسم مبارک را پیغمبر شرق و نبی صلح مینوشتند
 پس از صد و چند لوجی با فتنه بعضی از مجامع امریکا و بیان شفاهی است در ترتیب
 مجالس آنجا - چند نفر روزنامه نویس دیگر بواسطه تلفون اجازه خواسته مشرف شدند
 بیانات مفصله در وحدت اساس ادیان و لزوم صلح عمومی و مذقت الهی و ترقی و ترقی است
 نتایج از فهم اظهار صادر که جمیع را نوشته بواسطه روزنامهجات طبع و نشر نمودند و مکرر
 هم عکس مبارک را صاحبان جبهه گرفته نشر دادند لهذا از اطراف بجهت تشریف
 در محافل خصوصی و عمومی پی در پی تلفون می نمودند و اجتهاد غیر از اوقات تشریف دائمی
 با تلفون احوال پرسی از صحت و سرور مبارک میکردند و تبریک میگفتند عصر آنروز محفل
 عمومی در منزل ستر کنات و شب منزل ستر فلبس بود و نطق مبارک در اظهار
 سرور بملاقات اجبا و تأکید در عمل بوصایای جمال الهی و متمنا بودن اهل بیبا
 بر مل و امم دنیا - و جمعیت در هر محفل تبریک نفر بودند که حین ورود مبارک همه
 برینجا استند و آنته ابھی میگفتند و پس از خطاب مبارک هنگام حرکت یک یک
 دست میدادند و بانهایت دلخواه بذب رجا میگردیدند و چون
 از مجلس بیرون تشریف میآوردند تا حین سوار شدن جمعیت دور کالسکه
 مبارک حلقه میزدند صبح ۲۴ ربیع الثانی (۱۲۶) اپریل دسته استه اجبای
 نیویورک و اطراف مشرف میشدند و بسیاری از بندگان بذب بزم وصل
 و تقاب بودند از روز بعضی از قسینهای محترم تشریف حاصل نمودند و نطقی مشروح بجهت آنها

فرمودند که "مادیات و روحانیات همیشه بمعنان بوده ولی حال مادیات غلبه نموده
و اساس الهی فراموش شده و در عهد تاخیر فتاده از جمله اسباب تاخیر
آنکه رؤسای دیانت دین را مخالف علم و عقل گفتند و ترویج تقالید نمودند پس
شما باید مسائل الهیه را مطابق با علم نمائید بعد فرمودند ظهور مظاهر الهیه
مانند بهار است لابد بهار دائم و باقی نماند حال آید داریم باز ربیع الهی
سبب طراوت حدیقه عالم وجود شود انتی و آخر شرمی در تحذیر از حرب و جدال
و تشویق بر صلح و صلاح فرمودند نوعی حضرات منقلب شدند که هم یک زبان عرض
نمودند ما سالها آرزوی اینگونه تعالیم نمیدیم که روحانیت را باین عنوانات
شیرین و تعالیم و دلائل مبین ترویج نمایم پس بجای تشریف فرمای بکناس و اداء
خطابه مبارکه نمودند فرمودند بعضی وعده داده ام و حال بیش از یک هفته در نجسا
نمی مانم شاید بعد از مراجعت از شش کاناغو ممکن شود عصری مجمع عمومی منسزل
مسس مور تون بود ولی آفت در صحبت فرموده بودند که چون بان منزل تشریف
فرما شد هیچ حالت گفتگو نداشتند قبل از مجلس در طبقه فوقانی تسد ری رفیع
ختگی نموده چون پائین تشریف آوردند بالای پله مقابل جمعیت ایستاده لفظی
بیخ و فصیح در خصوص تجدید ربیع الهی فرمودند در آن مجلس هم علاوه از اجتناب
قریب صد نفر مبتدی بودند که آنها نیز یک یک دست داده اظهار انجذاب
می نمودند و چون بالاتر تشریف بردند باز نفوس بجای تشریف دقیقه میگردید

و دسته و دسته مشرف و با جاذبه تمام مرخص میشدند و بعضی از جهت
 اطفال خود را تبرک می ساختند و بیکل انور بی نهایت با اطفال انس و عنایت داشتند
 بعض دیگر الواح صادره با افتخار خود را نشان میدادند و فخر میکردند که از پیش مورد
 انگونه عنایات شده اند انسان در آن محافل متحیر میشد و از نفوذ امر الله
 و قدرت عهد الله تعجب می نمود که چگونه الهی امریکت منجذب و مستون
 جمال پماینند و چه طور کلمه مبارک که نافذ و مطاع در مراجعت بعضی از کوچه ها را
 طی نموده اتو طویل مبارک از وسط باغ قلی عبور میکرد میفرمودند در آینه مریکا
 ترقی سریع نماید ولی از این عمارت های بسیار بلند و کثرت نفوس قلم میگردد و بر
 صحت خلق خوب نیست " صبح ۲۵ ربیع الثانی (۱۳۱۰) اپریل از جمله نفوس جلیله
 که مشرف شدند کی رئیس کنگره صلح نیویورک بود دیگری رئیس اختراع آلات
 حرب اتفاقاً این هر دو در یک مجلس مشرف شدند خیلی تماشا داشت که در جماع
 این دو ضد بچه قوه غالبه در خدمت بعالم انسانی و فوائد عمومی نطق میفرمودند
 و بچه انجذاب و خضوعی از حضور مبارک مرخص شدند اما مجلس عمومی عصر
 از روز در منزل مستر میلز بود در آن محفل جمعی از قسیتها و پروفیسرها و اعزّه تازه برای
 مشرف حاضر شده بودند اول نطق عمومی در قوه خارق بعاده عالم انسانی
 فرمودند بعد در اوطاق دیگر از لزوم قوه که دین را بر مادیات غلبه دهد
 برای قسیتها نطق فرمودند که آن قوه حضرت بهستار الله است ما انقوه را

بکار بردیم و در این امر عظیم موفق گشتیم؛ از آن محل و خضوع و انجذاب آن رؤسا
 قلب مبارک خلی سروسر شد چنانچه در مراجعت در اتومبیل سفید بودند که من از
 تعالیم جمال مبارک در اینجا کی را موضوع صحبت قرار داده ام، هنوز مسائل مهمه
 میان نیآورده ام ولی چون ملاحظه بنفوس واقفنا می وقت میشود نیست که
 تأییدات جمال مبارک پی در پی میسر شد و مراد سفید باید این تأثیرات فقط
 از صحبت نیست بلکه تأییدات جمال مبارک است هم میگویند صلح خوب است
 ولی قوه تأثیر و تأیید لازم است جمال مبارک چنان حامی و مؤید من است که اگر
 فی المثل کله جنگ را موضوع صحبت قرار بدهم باز همین تأثیرات ظاهر میشود
 این تأییدات جمال مبارک است و الا ماشاء الله کجا و خضوع اینگونه نفوس
 کجا و امروز در حالتیکه جمعی از خستام ایرانی و احتبای غربی در حضور مبارک
 بودند و بهوتل شریف میزدند عکاسی دستگاه عکس متحرک را حاضر داشت
 پس از حصول اجازه فوراً عکس مبارک را با جمعیت برداشت در همان روز خبر عرق
 شدن کشتی تیانیک رسید و اجناس شکر را کردند که وجود مبارک قبول مسافرت
 آن راه را فرمودند روز ۲ ربیع الثانی (۱۳۰۱) اپریل صبح کلیسای سنشن
 شریف بردند و آن اول کلیسائی بود که در امریکا بقصد دوم اهل مشرف و مفتخر شد
 و از پیشین بیکل انور بان معبد عظیم مدعو و موعود حسین و رود اول با و طاق کلیسا
 از در مخصوص شریف فرما گشتند و قدری جاس شده تیسها بسیار اظهار

تشکر و ممنونیت کردند و چون نماز نزدیک باختر رسید از درب بالا بصحنه
 کلیسا شریف برده بر حسب رجا و خواهش قستیس بر کرسی بزرگ که در سرد مخصوص
 قستیس عظم بود جلوس فرمودند و بعد از تمام نماز کشیش در تاریخ و تعالیم امر مبارک
 نطقی کرده اوصاف و نعوتی در دسته فی حضرت عبدالمجید تبیان نمود که اهل عیسای
 بی نهایت شادمان گردیدند بعد وجود مبارک از روی کرسی برخاسته شروع بخطابه
 فصیح و طبعی در خصوص منیت الهیه و تعالیم بدیع و ظهور اسم عظم و تحت ادام فرمودند
 و اهل کلیسا چون حسه با حیران روی رخشان شدند علی الخصوص آن خطابه مبارک
 که بطن حسنین و آهنگ طبعی مناجات کردند و آن مناجات بی نهایت در قلوب
 نفوس موثر واقع و چون از کلیسا بیرون تشریف میآوردند دسته دسته برای
 زیارت مبارک مردم هجوم میکردند بکسانیان لغت الهی بلند می نمود و طالبان
 طلب تائید و برکت می کردند در آئین ناله و حنین خانمی بلند شد که مثل ابر بهار
 گریه میکرد و دامن مبارک را گرفت هر چه میخواست صحبت کند نمیتوانست بسیار
 اورا نوازش فرمودند و تسلی و نوید تائید دادند یوم عظیمی بود و محفل جلیلی که
 در دو هزار جمعیت کلیسا نفسی نبود که اظهار سرور و محبت ننمایند و خندان و شادان
 نباشد عصر آن روز در آنجمن افکار جدید نطقی عجیب در وحدت فیض الهی و وحدت
 عالم انسانی و لزوم استعداد در استفاضه فیوضات ربانی فرمودند که چون از
 مجلس بیرون تشریف آوردند جمعی کشیر در اطراف حلقه زده عرض میکردند چه کنیم

تا مصداق بیان مبارک شویم که هر سردی عبارت از نکل باشیم چون مورد عنایت
 مبارک گشتند بادی و خصوعی زائد الوصف مخص شدند و اجازه تشریف
 ثانی بستند روز ۲۷ ربیع الثانی (۱۵) اپریل چند روز نامه تقدیم حضور انور گردید
 که شهرت جمال و جلال عهد الهی دشت و شرح مجالس یوم قبل در آنها مندرج آوازه
 عظمت و نفوذ امر الله چنان بود که کشیش متعصبی بر شین کلیسای اسنشن (دکتور گرند)
 اعتراض نموده بود که در کرسی محراب کلیسا و انگلی روز یکشنبه وقت نماز حسن نائب
 مخصوص مسیح کسی نمیتواند بنشیند چرا شما (حضرت) عبد البهار را در اینجا جای دادید؟
 مقصود این است که وقتی هم متعصبی خواست اعتراض نماید جز این بهانه نماند نیافت
 و این اعتراض را هم بعضی از کشیشهای دیگر خود جواب دادند و در جواب عدم
 تمذیب آن معترض را منتشر نمودند تا آنکه خود او مقاله دیگر نوشت که من در فضائل
 و اهمیت تعالیم حضرت عبد البهار شهبندارم ولی فقط مقصود من رعایت قانون
 کلیسا بود و از وزیر رئیس اساقفه (بشبا) بواسطه مستر میلز مشرف شد اول
 اظهار و افتخار کرد از این که کلیسای اسنشن بقدم مبارک مزین گشته بعد عرض
 کرد "من از تعالیم این امر خیلی میسر دارم و شما اول مسافر جلیلی هستید که با چنین خبر عظیمی
 از شرق بغرب آمده اید تا حال گمان نمیرفت از شرق امری معتنادیده و شنیده
 گردد و این مسافرت مبارک جای شکر و ستایش است و چون بیانات مبارک در حضرت
 تعالید و تعصبات و وحدت اساس ادیان و لزوم صلح عمومی و تطبیق مسائل دینی با قواعد

علیه و مدنیته الهیه و امثال ذلک شنید بی نهایت خاضع شد و بحال شکر و منوبت
مرخص گردید اما وقتیکه شخص مذکور در محضر انور عرض مینمود که شما اول مفسر
جلیلی هستید که با چنین نبأ عظیمی از شرق بغرب تشریف آورده اید فائز این بیان
مبارک بخاطر آمد که در کشتی روز (۳) اپریل سفر نمودند که بعضی امریکارفت اند ولی
میتوان گفت این اول سفر شرقیان است با امریکا که در ۲۸ ربیع الثانی (۱۷) اپریل
از صبح تا عصر متصل شرف اجاب و متدیها بود که پی در پی اجازه خواسته شرف میبخشند
همیشه جمعی از سیرونی نشسته منتظر نوبت بودند و اگر بنجد قیمه شرف خصوصی حاصل
می نمودند و مورد خطاب مخصوص میگشتند خیلی فخر مینمودند از روز مجمع عمومی منزل ستر
داریج بود بعد از آنکه تا بار میل سفر نمودند نطق مبارک در اجتماع مل مختلفه در ظل قوه
البتیه بود و نفوذ کلمه حضرت بعمار الله و احاطه امر اعلی و چون جمعیت زیاد بود در هر
مجلسی از یکطرف نفوس میآمدند دست بدست مبارک داده رجای تائبید و برکت
می کردند و از طرف دیگر مرخص میشدند بعضی در حالت گریه بودند و بعضی با تبسم و خنده
یکی شکر از شرف می نمود و دیگری استدعای توفیق در خدمت میکرد و در جمیع محافل
عمومی حال نفوس چنین بود که اگر تفصیل تباهیها تحریر شود کتابها باید مرقوم گردد روز ۲۹
ربیع الثانی (۱۷) اپریل از جمله نفوس مختصره ای که تازه مشرف شدند چند نفر از
قتیسهای نیویورک بودند که استدعای تشریف فرمائی بکناس و اداء خطاب مبارک
نمودند جواب سفر نمودند که همین دور و زهارم شیکاگو بستم لهذا حال ممکن نیست

و دیگر چون ممالک امریکا در میان جنس سفید و سیاه چنان تعصب و نفرتی بود
 که محال و متمنع بود سفیدها در منازل و محافل خود سیاهها را راه بدینند لهذا نهایت
 تمایز در الفت و معاشرت از زبان طهر جاری و آنروز مجلس مهمی در منزل مستر کنی
 بود که از اجباب و اغیار از دو حام غریبی و از سیاه و سفید الفت عجیبی داشتند
 و خطابه مبارک که در اینخصوص بود که همیشه شرق مطلع انوار بوده و مشرق اشراق
 اما استفاضه سیاه و سفید در ظل فیض شمس حقیقت نماند اجتماع گلهای رنگارنگ
 است که این اختلاف رنگ مزید لطف و صفاست و سبب از دیاد حسنه آنها
 و آن شب وجود مبارک و جوه اجبار دعوت فرمودند و بدست مبارک برای
 آنها طبع نمودند و در ریگانگی و صفا بیاناتی در باب رسم بندگی آستان چال ابی
 تعلیم دادند و اقعاً شب مبارکی بود و بسر عنایت بهر یک در کمال شفقت و رحمت
 روز اول جمادی الاولی ۱۳۳۰ (۱۸۵۱) اپریل غیر از شرف نفوس مخصوص در منزل
 مبارک دو مجلس عمومی بود یکی در منزل سس امری که خطابه و نطق مبارک شرح
 ایام حیات حضرت بهتبار الله جل ذکره و بیات و شدائد عظمی و انقضاء آله
 در حبس آمد بود که چشمها را گریان نمود و نفوس را انقباض و تذکر حاصل آمد و نهایت
 رقت رجای حصول تائید در خدمت می نمودند و مجلس دیگر شب در تالار باور
 مشن محض اعانت فقرا و رعایت ضعفا شریف بردند اول نطق و خطابه در مرتب
 فقر و تسلی فقرا ادا فرمودند و چنان اثر و تأثیری نمود که غنیها رشک می بردند

وحسرت مقام فقیر اور دل میگرفتند چنانچه تفصیل آن مجلس نسیز در روزنامه ما
 شهرت زیاد یافت پس از ختام خطابه سرمودند میخواستیم جزئی خدمتی بفقیر
 نمایم لهذا رئیس مجلس اعلان نمود که حضرت عبدالباقی نزدیک در میایستند فقرا
 از یکطرف خدمت ایشان آمده از طرف دیگر بگذرند وضع موثری بود که یک یک فقرا
 نوازش سفیر نمودند و بهر یک وجہ عنایت میکردند و چون چهارصد نفر بودند
 سائرین زمره می کردند که پول حضرت عبدالباقی تمام میشود و کفایت نمیکند ولی
 آخر دیدند زیاد آمد و بفقیرای بیرون عمارت و بعضی از اطفال هم اکرام فرمودند
 روز ۳ جمادی الاولی (۱۱۹) اپریل که روز آخر اقامت مبارک در نیویورک بود
 از صبح تا ظهر و بولمبجان و شرف نفوس طالبه در منزل مبارک حیرت انگیز بود
 عصر مجلس مہمی در دارالفتون نیویورک بجهت خطابه مبارک تاسیس شده در تالار
 بزرگ انجا علاوه از طلاب و پرورشها و روسا جمعیت کشیری از اجاب
 و اغیار حاضر و از استماع خطابه مبارک جمیع بسیجان و اہمتر از آمدند و مضمون
 خطابه مبارک کہ ہستی از قوہ ماوراء الطبیعہ عالم انسانی و شرح نتائج علم و بسط
 احکام صلح و امثال ذلک بود و بعد از ختام در اوطاق دیگر نفوسیکہ سابق مشرف
 شدہ بودند سائر دوستان خود را بحضور مبارک آوردہ معترفی مینمودند و شکر
 تعالیم مبارکہ میکردند چندان طول کشید کہ شب شد و پرورشها میخواستند در
 بعضی از عمارات دارالفتون وجود مبارک را گردش بدہند ممکن نشد و در این محاکمہ

شنید و شد که نفوس اجتا و بستید بهامی گفتند ای کاش این مجلس آخسر نمیشد زیرا
مانیخواسیم از حضور مبارک دور شویم و آتش چون شب آخسر بود بسیاری
از اجتابیش از شبهای دیگر شرف بودند و هر یک همچون حال عهد الهی و منجذب
بنفحات ربانی و تا دیر وقت آمد و شد اجتا و شرف آنها بود و بوعده مراجعت
بنیویورک جمع راسلی میدادند اما مسافرت مبارک از نیویورک بوآشنگتن
روز ۳ جمادی الاولی (۲۰) اپریل صبح پس از اوراد و اذکار و صرف چای و شرف
اجتا از هتل انسونیا با استگاه راه آهن شریف بردند جمع کشوری بشایعت
آمده هر یک بزبانی اظهار خضوع و انجذاب در محضر نورمی نمود و اول تسدیری
در عمارت استیشن گردش نمودند و بسیار تعریف فرمودند از قساره مذکور
اول استیشن دنیا است و شش لیون (دولار) تومان) مصارف آن عمارت شده
و چون حرکت فرمودند تا چند میل زیر نهر کنار شهر ترن حرکت میکرد و علاوه از خدام
حضور و نفر دیگر از اجتای امریکا نیز ملتمزم رکاب مبارک بودند یکی مستر جون بوش
از اجتای کلیفورنیا که محض شرف از غرب امریکا بنیویورک آمده بود در جای اسمی
فارسی از قم اظهر کرده اسم (نورانی) با و عنایت شد و دیگر دکتور گسترگراسر
و التماس نمود که جزو خدمت حضور باشد و چون اغلب ترنهای راهها
امریکا یک رجه دارد و بسته محل خواب استیاری نه لند است در یک اطاق
حضور مبارک بودند تا پس از پنج ساعت موکب اقدس بوآشنگتن وارد و آن مدینه

بقصد دوم اطر فائز و مفتخر گردید و از پیش امر مبارک تلگراف صادر که محل را
 غیر از منزل اجباراً نمانند و هر قدر سس پارتیزر جان نموده بود قبول نفرموده بودند
 که بخانه ایشان وارد شوند ولی در استیشن جتایک زبان عرض نمودند که این
 خانه را سس پارتیزر محض شریف فرمائے مبارک ساخته و منتظر چنین روزی بود
 اگر شریف بنسند یقین است سبب افسردگی و حسرتان شدید او میشود لهذا
 قبول فرمودند که خود با یک نفر مترجم در آن خانه شریف داشته باشند
 و سایر خدمت ام در منزل که برای ورود مبارک گرایه شده بود بمانند در
 امریکا آن اول خانه شے بود که چند روزی محل اقامت مبارک شد و همان شب
 در انجمن سالانه ارتباط شرق و غرب که در تالار کتابخانه ملی بود شریف فرما
 شدند از دوام عام بود و از ورود طلعت پیمان، سیجان عظیمی در جمعیت افتاد
 که همه برخاستند و در نظر مردم خیلی مایه تعجب بود که بعتت عموم خلق با آنکه اغلب
 بهائے نبودند برخاستند اما خطابه مبارک که در ارتباط شرق و غرب و اتحاد امم
 و ظهور اسم اعظم چنان جلب انظار و قلوب نمود که پس از ختام هر کسی میخواست مشرف
 شود چون جمعیت زیاد بود و وجود مبارک خسته لذا زود حرکت نموده بمنزل مراجعت
 فرمودند روز جمعه جمادی الاولی (۲۱) اپریل مجلس مهم و اجتماع عظیمی در کلیسای یونیورسٹی
 بود که بعد از بیان مفصلی از لسان کشیش در لوازم جهتم و اعزاز حضرت عبدالجبار
 و تجید زیاد آنگاه هیکل انور قیام نمود و خطابه شے در تعاون و تعاضد عالم انسانی

ویکانکی و صلح عمومی ادا فرمودند از جمله مطالبی که در آن خطابه مبارک که با نهایت
 سطوت میفرمودند این بود که حضرت مسیح می فرماید امور بسیاری است
 که حال شما استعداد شنیدن آن را ندارید اما چون آن روح حق بیاید تمام را بیان
 خواهد کرد و حال قرنی است که آن روح الهی ناطق شد و تمام حق را ظاهر و آشکار نمود
 و عین آن خطابه مبارک که این است

(هوا شد)

اینچنین فرمودند دلیل بر حسن اخلاق و خدمت به عالم انسانی است نمایان
 تالش است و سزاوار تحمین زیرا مخالف تعصبات طلبیه است که کش
 هزار سال است این تعصبات عالم انسانی را زیر و زبر نموده چه قدر محاربات
 واقع شده چه قدر منازعات وقوع یافته چه عداوتها که میان بشر پیدا شده
 این عصر چون عصر ظهور حقیقت است الحمد لله افکار متوجه حقیقت است و نفوس
 مستعد وحدت عالم انسانی دریای حقیقت در موج است و سراب تقالید
 روز بروز در انحلال ادیان موجوده اساسشان اساس واحد بوده و آن
 اساس حقیقت است و سبب الفت و محبت بشر و علت ترقی نوع انسانست
 لکن بعد از هر یک از مظاهر الهیه کم کم آن نور حقیقت پنهان شد ظلمات
 او بزم تقلید بیان آمد عالم بشر گرفتار آن ظلمات گشت روز بروز عداوت
 شدید شد تا بدرجهائی رسید که هر قبیله و دشمن قتل دیگر شد بشنید که اگر موانع سیاسی

نبود همسایه را یکی معدوم و مضمحل میگرداند حالا دیگر بس است باید تخریب
 حقیقت کنیم از این او نام بگذریم انجم شده کل بسندگان یک خداوندیم
 جمیع در ظل عنایت او هستیم مشمول الطاف اوئیم خدا بجمیع مهربان است
 ما چرا مهربان باشیم خدا با جمیع صلح است ما چرا در جنگ باشیم نهایت
 بعضی نادانند باید تعلیم نمود اطفالند باید تربیت کرد غلیل و مریض اند باید معالجه
 نمود غلیل را نباید معوصش نمود طفل را نباید بدگفت باید در چاره و علاج کوشید
 جمیع انبیا بجهت تربیت آمدند تا نفوس غیر بالغه را ببلوغ رسانند و الفت
 و محبت بین جنس بشر اندازند نه بغض و عداوت زیرا خدا از برای بندگانش
 خیر خواسته نه شر هر کس برای بسندگان او شر خواهد بود مخالف خداست
 و برسلک الهی نیست بلکه برسلک شیطان است چه که صفت الهی رحمت است
 و صفت شیطانی صفت نفی است هر کس با بسندگان مهربان باشد متابعت
 خدا نموده و هر شخص با بسندگان نامهربان مخالفت خدا کرده زیرا خدا
 رحمت محض است محبت صرف است و شیطان بغض محض است و عداوت صرف
 پس بدانیست که در هر محفل محبت است آن محفل محفل رحمن است و هر جا عداوت است
 و سوء شیطان است انبیا الهی بجهت آن آمدند که نفوس مظالم رحمن
 باشند و در قلوب محبت و و داد اندازند چه که حیوان اسیر طبیعت است
 و بمقتضای طبیعت حرکت می نماید و ملاحظه خیر و شر ندارد اما انبیا بجهت

تعلیم خیر آموختند نه شر تا نفوس بمقتضای عدل و انصاف حرکت نکنند نه
 بمقتضای طبیعت هر امری که موافق عدل و عقل است محسوس دارند و لو مخالف
 طبیعت باشد و آنچه منافی عقل و انصاف است متروک شمارند و لو موافق طبیعت
 باشد پس انسان باید متابعت رحمانیت الهی کند اما نفوس ناقصه تابع
 طبیعتند هر قسم میل طبیعت باشد محسوس میدارند اسیر جانیاتند
 از فیوضات روحانیت خیرنداند زیرا در انسان دو جنبه است جنبه رحمانی
 و جنبه حیوانی جنبه رحمانی صلح و صفاست محبت و وفا اما جنبه حیوانی نزاع
 و جدال است و حرب و قتال اگر در انسان جنبه حیوانی غلبه کند اضل
 از حیوان است اگر جنبه الهی غالب شود ملائکه یزدان است تعالیم بسیار
 بجهت این بوده که جنبه حیوانی مغلوب شود تا نفوسی که اسیر طبیعتند نجات یابند
 و جنبه آسمانی غلبه نماید و آن جنبه الهی عبارت از فیض روح القدس است
 عبارت از تولد ثانی است هر کس دارای آن جنبه باشد خیرخواه عموم است
 بهیچ خلق همسرمان است با هیچ مذمبی عداوت ندارد و از هیچ دینی تیرنیف
 نکند زیرا اساس ادیان الهی یکی است اگر بان اساس رجوع نمائیم متحد
 شویم اما اگر بتقالید رجوع کنیم مختلف شویم زیرا تقالید مختلف است
 و اساس ادیان الهی واحد تقالید سبب اختلاف و کلفت است و اساس
 ادیان الهی باعث اتحاد و الفت باری حضرت مسیح میفرماید وقتی که آن روح حق

میاید تمام حق را بجهت شما میگوید و باز میفرماید امور بسیاری هست که حال شما
 استعداد شنیدن آنها را ندارید اما چون آن روح حق آید از برای شما تمام را
 بیان خواهد کرد حال قسمی است که آن روح الهی ناطق شد و تمام حق را ظاهر
 نمود حقیقت دین مسیح را بیان کرد خلق را از او نام برد مانند تابش یاد جعل و عداوت
 بر باد شود و اساس محبت تأسیس باید ما باید بجان و دل بکوشیم تا این
 عداوت و بغضات محو شود و این جسدال و قتال بکلی زایل گردد نصیحت روح القدس
 اینست که بر قدم مسیح مشی و سلوک نمائیم انجیل را بخوانیم به پیغمبر که حضرت مسیح
 محبت محض بود حتی در باره قائلین بالای صلیب دعا فرمود که خدا یا از اینها
 در گذر زیرا نمیدانند نادانند اگر میدانستند چنین نمی کردند به بنیید مظاهر
 الهیه چه قدر هر باند که بر صلیب طلب مغفرت قائلان میفرمایند پس
 ما باید متابعت مظاهر الهیه کنیم بر سلوک انبیاء مشی و سلوک نمائیم و از ظلمت
 تعالید بگذریم از شما! سؤال میکنم آیا خدا ما را برای محبت آفریده یا برای عداوت
 یقین است بجهت الفت و محبت خلق فرموده پس ما باید طغنت باشیم زیرا
 نفوس را منافع شخصیه و امیسه دارد که از حق چشم پوشند آنها غیر از مقصد شخصی
 نخواهند و جز در ظلمات اغراض سیر نمایند ملاحظه نمائید که چون حضرت
 مسیح ظاهر شد چه قدر ناظایمات دید با وجود این عاقبت اقوام مختلفه و اعزاز
 متنوعه را جمع فرمود اقوام رومانیان و یونانیان و سریانیان و مصریان

همه در نهایت عداوت بودند حضرت مسیح بنفثات روح القدس جمعاً
متحد فرمود الفت بین قلوب انداخت اختلاف بر طرف شد نزاع وجدال
از میان رفت در ظل مسیح کل در نهایت صلح زندگانی نمودند آیا این که اطاعت
مسیح کردند بهتر بود یا اگر اطاعت شیطان و عداوت و طغیان می نمودند حال مهیبت
که مل و امم شرق و غرب در این قرن مبارک حضرت بهاء الله بنفثات روح القدس زنده شوند
و جمیع متحد گردند کل متابعت اساس ایمان الهی کنند و آن حقیقت احدیت اختلاف تعدد قبول نماید
و قتی که کل تحسری حقیقت کنند متحد شوند وحدت عالم انسانی جلوه نماید
صلح کبیر ظاهر شود باری در حق شما دعا می کنم که ای پروردگار این جمیع
مخلص محبت باین محفل آیدند و با کمال حب و وفاق حاضر شدند خدایا رویه را
منور کن از روح ربشارت کبری سببش فرما و چشمه را بشا بده آیات بدی
روشن کن و گوشه را با استماع ندای حلی ملتند ما پروردگار خطا کاریم تو مغفرت
کن گناه کاریم تو عفو فرما در پناه خود پناه ده نقصان را بفران خود کامل کن این
نفوس را از عالم اولام برهان و بحقیقت دلالت نما تا تحسری حقیقت کنند
از عالم ناسوت دور شوند و بعالم ملکوت نزدیک گردند از جهان ظلمانی بفضای نورانی
در آیند از ظلمات امکان برهان با نور لامکان متور فرما مطا بهر انوار کن
و مطلع آثار نما از غیر خود بسیار فرما و مطلع بر سر ارکن ای پروردگار تو
آموزگاری و دانا تو بخشنده و توانا و توانی قادر و مینا با وجود این خطا به عظیم

و بشارت صریح بعد از ختم بیان مبارک کشتیش ایاده پس از ادا و شکرانه گفت
 اگر میخواهید بحضرت عبدالبهاء دست دهید از یک طرف بیایید دست دهید
 و از طرف دیگر بروید لهذا وجود مبارک نزدیک محراب ایستاده جمعیت کلیسا
 با نهایت افتخار و تعظیم دست میدادند و اظهار خضوع می نمودند همان روز میفرمودند
 از بس مردان کلیسا دست مرا فشار دادند دستم در دستگیرند علاوه از اینگونه
 مجامع از صبح تا عصر دائم در منزل مبارک هم قسم نفوس شرف میشدند روز
 ۵ جمادی الاولی (۲۲) اپریل مجلس عمومی در انجمن بهائیان بود و حین ورود مبارک
 جمیع اجنبان یک لحن و یک صوت بخواندن اشعار و اوصاف مبارک مشغول شدند
 و چون خطابه در طی مسافت بعیده و اجتماع اهل شرق و غرب و عظمت این قرن
 اعظم و ظهور اقوام با مناجات بسیار مؤثری ادا فرمودند و ختم بیان نمودند
 اجنبان هم نمودند یکی دامن مبارک را میگرفت دیگری دست میداد یکی از شدت
 شوق میگریست و دیگری از کمال سرور و ذوق می خندید و چون حرکت فرمودند
 اجنبان از دو طرف صف بسته بهیکل انور در آئینان عبور فرمودند تا پای اتوبیل
 تشریف آوردند باز اجنبان هم دویدند و چون پروانه طائف حول شمع پیمان
 بودند عصر نطق مبارک در مجمع درباره غرق شدن کشتی تیانیانک و طلب مغفرت رکاب
 آن بود و تسلی سرداران و شب سس پارس نیز با هم مبارک از وجود اجنبان
 معافی نمود و از جمله بیانات مبارک که شب سر میز این بود که ملاحظه تائیدات جمال

مبارک نمائید که چه کرده مارا یکجا در خانه چه شخصی آورده که باین محبت با اسم من
 چنین مهمانی فراهم آورده قدرت نفوذ کلمه اش چگونه شرق و غرب را ربط داد
 چنان فیض الهی شالست و فضل رحمانی کامل، روز عجمادی الاولی (۲۳) اپریل صبح
 بدار القنون سیاهان (هوار دیو نیورستی) تشریف فرما شدند چنان جماعت
 سیاهان و سایر دوستان (سفید) تدارک دیده بودند که محض ورود مبارک
 موزیک تبریک شروع شد و تقدیر دست زدند و غلغلہ انداختند که بوصف
 نیاید تا آنکه رئیس در معرفی حضرت عبدالبهاء با اسم پیغمبر صلح و بیشتر الفت و نجاح
 نطقی بسیار بلیغ نمود پس سبیل انور قیام فرمودند و خطابه‌ای در الفت و اتحاد
 سیاه و سفید و وحدت عالم انسانی ادا نمودند مگر جمعیت کف برکت زدند
 و اظهار ذوق کردند در آن سر رئیس مجلس با از قبیل عموم بسیار اظهار شکر و ممنونیت نمودند
 و چون بیرون تشریف آورده سوار شدند جمعیت بنسب فوج موج میسزد و از
 دو طرف جمع صف کشیده تعظیم می نمودند و با کلاه و دستمال خدا حافظی میکردند
 تا باران روز منزل جناب عالی قلینجان تناول فرمودند و سر میز جمعی از خدام حضور و اجابا
 در محضر انور مشرف و مزروق و عصر باز محفل عمومی در همان منزل منعقد که اکثر
 جمعیت از خانهای اعیان شمس بودند لهذا نطق مبارک در آن محفل در خصوص تعلیم
 و ترقی نسا و ترویج صلح و یگانگی در عالم انسانی بود بعد از مجلس نفوس دیگر که تازه
 آمدند تا مدتی در محضر طهر مشرف و مفتخر بودند و میل جدائی نداشتند خلاصه

شبها چون وقت خواب وجود مبارک تنها می شدند با شدت خشکی لسان شکر و
 ثنا بدرگاه جمال ایمی می کشودند می نسروند جمال مبارک را باید شکر نمود زیرا
 تأییدات است که هیچ نفوس است توفیقات جمال ایمی است که مقلب قلوب است
 مد و ملکوت ایمی است که قطره را دریا نماید نصرت اقی علی است که پشه را غنقا کند
 موری سیمانی نماید ذیلی مصدر عزت ابدیه گردد انتی و مجلس ثالث باز آن شب
 در کلیسای سیاهها بود در آن مجمع نسر همه با نهایت تعظیم و تکریم تعالیم بدیعه و خطابه
 مبارک را سبب عزت و سعادت خویش میگفتند و چنانچه در جمیع کنائس وقت
 جمع اعانه مبلغی از حضور مبارک عنایت میشد آن شب هم چند جینه مرحمت فرمودند
 روز ۷ جمادی الاولی (۲۴۶) اپریل طرف صبح بانجمن اطفال بهائیان شریف بردند
 در حالتیکه حین ورود مبارک جمیع اطفال هم آواز بودند و ثنا می عبد البهارا
 نظایر زبان انگریزی با پایا نو میخواندند چون نظر انور با اطفال افتاد فرمودند ماشاء الله
 طفلها مانند دسته های گل در نهایت صفا و طراوت و لطافتند پس از نطق
 و دعای درباره اطفال یک یک را بوسیده در آغوش میگرفتند و شیرینی
 عنایت می کردند و شدت محبت وجود مبارک با اطفال دیدنی بود مجلس ثانی شب
 منزل مستر و سس هنر از اجزای سیاه و سفید بود بالفات و اشتعالی دیده شدند
 که حتی وجود اقدس نسروند قبل از ورود مجلس چندان حال و خیال صحبت نداشتند
 ولی محض مشاهده الفت و انجذاب اجزای سیاه و سفید بیل و رغبت آمد و با کمال

محبت صمیمی صحبت دہشتم و اتحاد الوان مختلفہ اجبارا بعد لسانی و یا قوت تشبیہ نمودم
 پس از نطق مبارک و نہایت عنایت بہر یک سوار تو بیل شدہ برای مجلس ثالث تشریف
 می بردند از شدت منرت صدای مبارک چنان بلند بود کہ ہنگام تاخت و تاز کالسکہ عابریں
 صوت مبارک را شنیدند می فرمودند ای بہا، اللہ چہ کردہ ای بہا، اللہ بقرابت
 ای بہا، اللہ بقدایت آیام را بچہ مشقت و بلا گذرانید می چہ مصائبی تحمل فرمود
 آخر چہ اساس قینی نہادی و چہ علم طینی لبند نمودی " با این حالت کالسکہ برق سیر از سرعت
 پیرید تا بمنزل مستزل رسید آن شخص جلیل مختصر تلیفون و رئیس بنییت علمیہ بود
 و پیرہ مرد بسیار خلیق ظریفی کہ یوم قبل بمنزل مبارک آمدہ مشرف شد و رجا نمود کہ بجمع
 علی آنہا تشریف فرما شوند و آن ہیئت را ممنون و سرفراز فرمایند وقتی وجود
 مبارک ورود فرمودند ہمہ برخاستند یک یک دست دادند و نفوسیکہ
 از پیش مشرف شدہ بودند وجود مبارک را با کمال شرف و افتخار بساڑین معرفی کردند
 و آن نحو احترام در بد و مجلس نہایت خضوع انہار اظاہر می ساخت بعد از جلوس مبارک
 بذاکرات علیہ پردہ خستند و بہر یک در فن خود تجربہ خویش را بیان می نمود و در آن
 بحث می کردند پس از گفتگوی یکد نفوس مستزل خویش بیان مقدمہ در تاریخ این امر
 از جناب علیقلی خان سفیر ایران نمود پس از ان رجای نطق مبارک کرد و از تشریف فرما
 مبارک شکر و ستایش نمود لہذا از لسان ظہر مقدمہ در ذکر حسن اخلاق و آداب
 حضرت و بعد شرحی در فضائل و نتائج علم و عظمت این عصر و ارتباط نوع انسانی و ذکر

ظهور بدیع صادر و جاری مستزبل بی نهایت شادمان شد بر خاست اظهار ممنونیت
 و شکر از بیانات صادره از فم عنایت نمود و تأثیر نطق مبارک در قلوب حاضرین
 چنان بود که چندی یکی از اعضا و دیگران سخن نوبت صحبت رسید آن شخص محترم بر خاسته گفت
 باین نطق سرور جلیل شرق دیگر من بالسان کلیل چه گویم و نشست بدین منوال
 چند نفری صحبت مختصری نمودند تا مجلس برخاست و مستزبل بحضور مبارک و سایرین
 اشاره رفتن بتالار دیگر نمود چون قریب نصف شب بود بر حسب عادت اهل غرب
 که آخر شب قبل از خواب هم چیزی (شب چره) میخورند سفره و میز از زمان و گوشت
 و کباب و آجیل و میوه و شربت آراسته و مزین بود با وجودیکه وجود آنرا آنوقت
 شام میل نموده بودند باز مشغول صحبت شدند و بواسطه مستزبل با حرم و دخترش
 گفتگویی فرمودند خانم محترمه ایشان گنگ و کربود ولی بواسطه اشارات حرکت
 دست و فشار انگشتها با او صحبت میکردند و این علم را بدرجه تکمیل کرده اند که نهایت
 آسانی با کران و گنگان گفتگو نمایند مثل علم خط و نقطه و تاتی و سرعت حرکت در تلگراف
 از سرار مذکور مستزبل در بدو اختراع تلفون مقصودش اختراع آلتی برای مکالمه با کران
 و گنگان بوده از بس تعلق خاطر محترم اش داشته شب و روز در این فکر میگذشت
 و نتیجه آن اختراع تلفون میشود ولی از آن اختراع بمقصد اول نائل نمیگردد بمسببت این
 صحبت لسان مبارک باین بیان ناطق که اکثر صنایع مهمه از همین راه اختراع شده مانند
 طلب کیمیا که سبب ظهور هزارها ادویه مفیده گشته و یا بحیثیت عبور بخط مستقیم از اروپا

بهندگشت قطعه امریکا شده و قس علی هذا روز جمادی الاولی ۲۵ اپریل صبح
 منزل مبارک مجلسی مخصوص تباغیها بود و نطق مبارک در مهتسیا از قوه انسانی از سائ
 کائنات و مجلی از مراتب روح و وحدت ذات الهی لزوم ترقیات روحانی و مذیت
 آسمانی و چون جمعیت آنها زیاد بود بعد از نطق مبارک باز یک یک در اطاق
 دیگر چند دقیقه مشرف و در مسائل خصوصی بسؤال و جواب منتهی گشتند و مجلس تا عصر
 از روز در بیت مبارک محفل یومیته بود که هفت سائر عصر با هجوم عموم می شد و تالار
 طبقه اول عمارت از جمعیت ملومی گردید و خطابه مبارکه آن مجلس اهمیت لزوم تعالیم الهیه
 و تجدید آن در هر عصری و شرح بعضی از او امر طهور اعظم بود و بعد از ختم خطابه باز آمدن
 در اطاق علی حده اجازه خواسته نفوس مشرف می شدند و اکثر در اول عذرخواهی
 می کردند که میسر انیم وجود مبارک خسته اند ولی موهبت شرف هم برای
 باقیمت است و تعالیم و بیانات مبارکه سبب عزت و سعادت از و بر بسین پانز
 می فرمودند این نحو مسافر و جهان خیلی رحمت دارد باید خانه را بگذاری و فراری
 هر جهان و مسافری در هر شهری بانفوس محدود در اوقات معینه معاشر است
 اما شما باید از صبح تا عصر مهاندار عموم باشید آن شب سفیر عثمانی حضرت ضیا پاشا
 از حضور مبارک دعوت نموده بود اکثر خستام حضور و جمعی از اعیان نیز مدعو بودند
 ضیافت لوکالی بود و جهانها همه بالیاسهای رسمی حاضر و در ان مجمع دو نطق مختصر فرمودند
 اول نطق مبارک با کمال جلال و جمال در تائیس کلام نظام پر امر الله و قوه عظیمه فائده

انبیا بود و بعد سر نیز جناب سفیر صحیحی که در تبریک و تمجید مبارک بزرگی نوشته بود
 خوانده تقدیم نمودند که ترجمه آن نیست هو انوار فضل و کمالات حضرتش
 در ارض بدیع و عالم جدیدی ابناء زمانه را محصور در ارشاد و نور نیت مینماید و بحیث
 انتشار محاسن اخلاق بشریة هزاران زحمات و فداکاری را تحمل فرموده اند
 و محض حصول سعادت حضور مبارکشان جمعیت ما را شرف بخشیده حضرت عبدالبنی
 فرید عصر که نزد ما بسیار معزز و مبارکند دعای از یاد عمر و عافیت ایشان را
 از حضرت رب العالمین خدای لم یزل سائل و آلم و وورد مبارکشان را تبریک میگوم
 (ضیا پاشا) چون حضرت سفیر نطق خود را تمام نمود و وجود مبارک فرمود (هوا شد)
 امشب شب مبارکی است شایان نهایت سرور و ستایش است بهمانی چند
 اولاً احمد نده در مملکتی هستیم که در نهایت معمولیت و آزادی است ثانیاً در خانه
 هستیم که منسوب بدولت علیّه عثمانی است ثالثاً همان حضرت سفیری هستیم که در عالم
 اخلاق مثل شمس مشرق است رابعاً این مجلس الفت و اتحاد شرق و غرب را مجسم
 می کنند زیرا از انالی شرق حضرت سفیر عثمانی و مخدوم محترمشان حاضرند
 و قرینه محترمشان امریکائے و سفیر ایران از غزّه مشرقیان و خانم محترمه ایشان نیز
 امریکائے این دلیل بر آنست که شرق و غرب الفت و اتحاد حاصل نماید نفوسیکه
 اهل حل عقده و فسر و عقل سلیم دارند هیچ شبهه نیست که فتها آرزویشان
 محبت بین بشر است و نهایت آمالشان الفت و یگانگی بین نوع انسان هر چند

در قرون ماضیه این حقیقت نمایان نبود اما حال که عصر نورانی است و قرن علم ترقی
 عالم انسانی بعون عنایت الهی این مسئله آشکار شد که جمعیت بشریہ مرتبطند
 و جمیع از یک عاقله و اهل یک وطن و یک کره عصر وحدت عالم انسانی است و زوال
 او با هم قرون ماضیه هر دانشمندی احساس مینماید که این قرن وحدت و اتحاد
 است و تعصبات و همیة روزوال لهذا امید داریم سوہ تفاهم بین ملل بجلی از
 میان برخیزد تا بدانند که اسس اساس جهانی وحدت عالم انسانی است و مقصود
 اصلی منظر الهیہ تربیت عالم بشری ادیان الهی سبب اختلاف نیست و مورت عداوت
 و بغضانه زیرا اساس جمیع ادیان حقیقت است و حقیقت یکیت تعد و ندارد
 و این اختلافات از تعالید است چون تعالید مختلف است لهذا سبب اختلاف
 وجد است این ظلمات تعالید آفتاب حقیقت را پنهان نموده حال آنکه منور شد
 روز بروز این ظلمات روزوال و شتیت است عنقریب تمامها زایل گردد و شمس
 حقیقت درخشند و تابان علم وحدت عالم انسانی و خیمه صلح عمومی بلند شود و عالم
 عالم دیگر گردد از رحمت حضرت سفیر خلی منونم و شکر می کنم که سبب الفت و اجتماع
 ملل مختلفه در این محفل و داد شدند و لایسته اینگونه مجالس نمایان شکر و ستایش است
 انہی در ختم مجلس باز حضرت سفیر برخواستند و اظهار شکر و ممنونیت کردند و ہنگام
 حرکت تا دم کالکہ مبارک آئندہ نہایت خضوع را ابراز نمودند آن ایام نفوس بسیار
 مجلل شرف حاصل می نمودند حتی متر و زولت رئیس جمهور مخصوص مشرف بہایت

خضوع موقوت شد روز ۹ جمادی الاولی (۲۶) اپریل علاوه از اجتماع و شرف نفوس
 در منزل مبارک از روز سه مجلس عمومی بود صبح در کلیسای یونین (آل سسز) از خطا
 مبارکه در بیان اسام نور و سطوع شمس حقیقت بذاته لذاته و استفاضه قلوب مستعد
 که بمنزله مرایاء صافیه اند دیده و دلپار و شن و نورانی گردید خضوع جمعیت و انجذاب
 نفوس بر چهر بود که در آن ایام مضمون یکی از تلگرافهای مبارک بشرق این بود که امروز
 سه هزار نفر با کمال محبت ملاقات شدند و در جمیع مجالس بهائی و غیر بهائی کاتب
 مستعد و حاضر و فوراً با انگلیزی خطابه های مبارکه منتشر می شد اما بفارسی چون عین بیانات
 مبارکه را خندام حضور ثبت می نمودند لهذا در موارد سهو و نسیان بملاحظه حفظ از
 زیاد و نقصان میجو استند از لحاظ انور بگذرانند و بسبب عدم مجال و کثرت مشاغل
 بیگل اکرم مدتی تعویق میافتاد تا منتشر میشد و بعضی هم فوری انتشار می یافت و عصر امروز
 در منزل مبارک مجلس عمومی و خطابه مبارکه تفسیر آیه تورات و صورت مشال الهی در عالم
 انسانی بود و در آخر وداع کردند و وعده مراجعت از شش کاغذ پوشنگتن فرمودند
 پس جمعیت یکت یکت بخضوع خلوص تمام حضور مبارک آمده دست میدادند و خود را
 مراجعت وجود اظهر دلداری و تسلی میدادند بعد از مجلس سیر کردش در باغ بزرگ
 و اشنگتن رفع خستگی فرمودند و شب مجلس ثالث در عمارت و بنا عظیم زنان و دختران
 حقوق طلب امریکائیه بر رفتند تا آنوقت که تالار خطابه بان وسعت و جلال دیده شد
 و عنوان خطابه مبارکه این بود که از جمله تعالیم بهار الله تساوای حقوق رجال و نساء است